

دین موضوعیتی نداشت، بلکه محور بحث‌ها پیرامون اندیشه سیاسی و بازخوانی آثار کلاسیک آن بود. با این حساب، جریان‌هایی که روزی با دغدغه رابطه دین و دنیای مدرن شکل گرفته بود، در نسل دوم خود دیگر نه به رابطه دین و سیاست می‌اندیشید و نه گستره شریعت برایش موضوعیت داشت و نه تجربه‌های دینی را محل تأمل خود می‌دانست. جریان‌هایی که روزگاری دروازه طرح سؤالات و مسائل جدید در عرصه دین پژوهی بود اکنون در بهترین حالت دین را به معنویتی فردی تقلیل داده و از آن نهایتاً استفاده‌ای ایزاری برای التیام دردهای انسان می‌کند، رویکردی که بیش از سازندگی ماهیتی تخریبی و انفعالی دارد. در این میان برخی از باورمندان به پروژه روشنفکری دینی در بسترهای برخی چون سایت زیتون و دین آنلاین سعی کردند چراغ این جمع را روشن نگه دارند اما حقیقتی که وجود دارد این است که در این امر چندان موفق نبودند.

البته در افول مباحث مطرح شده در حوزه معرفت دینی از جانب روشنفکران، تنگ‌نظری برخی افراد از جریان مقابل هم بی‌تأثیر نبود. جریان‌هایی که تا آنجا که تجدد را به هیچ وجه بر نمی‌تابید و حتی استفاده از ابزارهای مدرن را از باب اکل میته توجیه می‌کردند، یکی از موانع توسعه و بقا روشنفکران دینی بودند. این افراد راه گفت‌وگو را دنبال نمی‌کردند، اما با ابزار تفسیق و تکفیر تا آنجا که می‌توانستند راه را بر دیدگاه‌های مخالف خود تنگ می‌کردند. برخی از دیگر جریان‌های مذهبی هم که در این عرصه غالباً به صورت انفعالی عمل می‌کردند با سکوت و افول رقیب ساکت شدند و دیگر انگیزه‌ای برای حضور در عرصه مطبوعات و حوزه عمومی معرفت دینی نداشتند. آن‌ها نه دغدغه سخن گفتن با مردم داشتند و نه دیگر دشمنی داشتند که با او نزاع کنند. در نهایت، در معرض همین سکوت و عدم تکاپوی نظری، اتفاقی افتاد که جریان دینی همیشه نگران آن بود: «انزوای دین و بی‌توجهی به آن در ساحت نظر و عمل». در پی این وضعیت، فضای دین پژوهی و الهیات در کشور به خمودی گرایید و سقوطی معرفتی کرد و خلأ جدی‌ای میان دین و عرصه عمومی پدید آمد. سکوت برآمده از این خلأ گهگاه با چاپ کتبی خاص مانند مکتب در فرایند تکامل یا حجاب شرعی در عصر پیامبر شکسته می‌شد، اما به مانند تب تند خیلی زود فرومی‌نشست و دوباره سکوتی معرفتی جهان معرفت دینی را در برمی‌گرفت. باور از میان این خلأ متولد شد. باور درباره الهیات و دین پژوهی است. در اینجا ما نه سودای تفسیر جهان داریم و نه تمّای تغییر آن را. به گمان ما، فهم دین نه محصور در زمان و مکان خاصی

است و نه در دستان عده‌ای منحصر. به همین دلیل تلاش می‌کنیم تا از لابلای آثار اندیشمندان، کتب پیشینیان و پژوهش معاصران، با استناد به اصل عقلی و تأکید شرعی اجتناب از شخص‌پرستی و دچار شدن به کیش شخصیت<sup>۱</sup>، بدون اولویت بخشی بی‌دلیل به هر کدام از آن‌ها، به فهم عمیق‌تری از دین و الهیات برسیم.

در باور تلاش می‌کنیم سخن ضابطه‌مند بگوییم و، با التفات به استدلال و روش، امکان گفت‌وگو را فراهم کنیم. به همین دلیل، علاوه بر آنکه به دستاوردهای حوزه‌های علمی و پژوهشگران و اساتید دانشگاهی ایران توجه می‌کنیم، برای برقرار کردن گفت‌وگو بین سنت‌های فکری مختلف در جهان اسلام هم تلاش می‌کنیم؛ به همین دلیل در باور سعی می‌کنیم به آثار اندیشمندان دیگر کشورهای اسلامی و انعکاس دیدگاه‌هایشان اهتمام داشته باشیم. افزون بر آن، به شخصیت‌هایی که در دانشگاه‌های سرتاسر جهان به مسئله دین و الهیات و خاصاً سنت اسلامی می‌پردازند هم بی‌تلفات نیستیم. در باور سعی می‌کنیم دیدگاه‌های مستشرقان را بازخوانی کرده و با دانسته‌های خودمان ارزیابی کنیم و با منطق «اَضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضِ يَتَوَلَّدَ مِنْهُ الصَّوَابُ»<sup>۲</sup> در قدم اول برای ارتقای فهم خودمان از دین و الهیات تلاش کنیم و در قدم بعد برای پیداشدن قول صواب تلاشی کوچک کرده باشیم.

ما می‌کوشیم تا به یکی از مهم‌ترین عوامل زندگی بشر بیندیشیم، اما نه آن‌گونه که دین را ابژه نگاه انسان محور خود کنیم، بلکه سعی می‌کنیم از عینک دین به رخدادهای جهان پیرامونمان بنگریم تا بتوانیم فهم و حیاتی دیندارانه را تجربه کنیم، چه آن رخداد در عرصه فرهنگ و هنر باشد، چه سیاست و اقتصاد. طبعاً در این میان به اسلام که دین رسمی و اکثریت مردم ایران است بیش از ادیان دیگر توجه خواهیم کرد و به اسلام سیاسی و مسائل آن، که مهم‌ترین تجربه دینی-تاریخی دوران معاصر این مرزوبوم است، التفات ویژه خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم با نقد و بررسی مسائل آن از یک سو فهم دینی خود را عمیق‌تر کنیم و از سوی دیگر با توجه به مسائل سیاسی-اجتماعی تلاشی در رفع انسدادهای اجتماعی کرده باشیم و در عین حال از انتزاعی شدن دین و دینداری جلوگیری کنیم. در نهایت باید بگوییم باور می‌کوشد که چراغ معرفت دینی را با روغن گفت‌وگو روشن نگه دارد و در این میان دست هر کسی را که به این مهم کمک کند به گرمی می‌فشارد.

#### پی‌نوشت

- ۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تُنْصَبَ رَجُلًا دُونَ الْخَجَّةِ فَتَصَدَّقَ فِي كُلِّ مَا قَالُوا»، یعنی بهره‌بر از اینکه بدون دلیل کسی را برای خود برگزینی و بدون چون و چرا تمام گفته‌های او را تصدیق نمایی (بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۰).
- ۲- غرر الحکم، حدیث ۲۵۶۷.